

# تأثیر آموزش بر تولید گفتار کودکان سندرم داون

حسن بشیرنژاد<sup>۱</sup>

غزاله حاج حسینی<sup>۲</sup>

## چکیده

زبان مهم‌ترین ابزار در برقراری ارتباط است؛ اما تمام افراد جامعه نمی‌توانند از این ابزار به راحتی استفاده کنند. بخشی از افرادی که در استفاده از زبان مشکل دارند، کسانی هستند که دچار اختلال زبانی هستند. اختلال زبانی به هرگونه نارسایی در بیان و درک گفتار اطلاق می‌گردد. افرادی که دچار ناتوانی‌های ذهنی هستند، معمولاً از این اختلالات رنج می‌برند و کودکان و نوجوانان سندرم داون در بین این افراد کم‌توان ذهنی هستند. پژوهش حاضر به بررسی مقایسه تولید گفتار در کودکان سندرم داون آموزش یافته و آموزش نیافته در شهرستان بابل می‌پردازد تا تأثیر آموزش را در بهبود مهارت گفتاری این افراد بسنجد. این پژوهش از نوع نیمه تجربی و مقایسه‌ای است که در گردآوری داده‌ها از شیوه میدانی بهره گرفته است و برای این منظور از آزمون زبان شناسی نیلی پور (۱۳۷۲) که به صورت پرسش‌نامه و تصاویر بوده، استفاده شده است. در این تحقیق سعی شده است با توجه به گستردگی ساخت‌های زبانی در بخش گفتار، به بررسی ساختارهای نحوی تولید شده توسط این گروه کم‌توان ذهنی پرداخته شود. نتایج به دست آمده نشان داد کودکان و نوجوانان پسر سندرم داون که آموزش دیده‌اند، نسبت به گروه همسالان خود که آموزش ندیده‌اند، در تولید ساختارهای نحوی بسیار بهتر عمل کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش، اختلال زبانی، سندرم داون، تولید گفتار، ساختار نحوی

<sup>۱</sup> استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران haba1350@gmail.com  
h.bashirnezhad@cfu.ac.ir /

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد زبان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری ghazalh.messgar@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۶

زبان، ابزاری طبیعی برای منظم کردن اندیشه و انتقال آن به سایر انسان‌هاست. سخن‌گویان زبان برای برقراری ارتباط با یکدیگر و انتقال مفاهیم، واژه‌های منفرد و جدا را به کار نمی‌برند؛ بلکه با ترتیب و نظم خاص، تعدادی از واژه‌ها را به صورت رشته‌ای مشخص به یکدیگر پیوند می‌دهند. آن بخش از دانش زبان‌شناسی که به بررسی ترتیب واژه‌ها در جمله و بخش‌های سازنده آن می‌پردازد، نحو زبان<sup>۱</sup> نامیده می‌شود.

نحو زبان در برقراری ارتباط و درک مفاهیم نقش اساسی دارد. از آنجاکه آرایش کلمات جمله در انتقال مقصود گوینده و شنونده مؤثر است، تغییر در این ترتیب باعث درک مفهوم متفاوتی می‌شود. اشکال در نحو و کاربرد زبان سبب وقفه و ایجاد مشکل در برقراری ارتباط می‌شود.

تولید نحو در کودکان، رشد سلسله مراتبی دارد که در حدود ۳-۶ سالگی به پیچیدگی‌های نحوی تا سطح جمله‌های مرکب و بندهای ترکیبی می‌رسد و تا حدود ۵ سالگی گفتارشان به گفتار بزرگسالان نزدیک می‌شود. البته این سیر رشد زبان در مورد کودکان سالم صدق می‌کند. برخی کودکان به خاطر وجود برخی ناتوانی‌ها و معلولیت‌های ذهنی یا فیزیولوژیک از پشت سر گذاشتن این مراحل رشد زبانی ناتوانند. از جمله این افراد می‌توان به کودکان کم‌توان ذهنی اشاره کرد که به سندرم داون مبتلا هستند.

سندرم داون<sup>۲</sup> یک اختلال کروموزومی است که در آن کروموزوم ۲۱ و یا قسمتی از آن سه‌تایی شده که به آن تریزومی<sup>۳</sup> نیز می‌گویند. عصب‌شناس انگلیسی لندن داون<sup>۴</sup> در سال ۱۸۶۶ برای اولین بار این کروموزوم را از بیماری‌ها و معلولیت‌های دیگر جدا کرد و به خاطر شباهت ظاهری آن‌ها با مغول‌ها آنان را منگل نامید (اخلاقی کوهپایی، ۱۳۹۰).

این اختلال ضمن این که تغییرات جسمی مشخصی را در شخص به وجود می‌آورد، موجب پیدایش اختلال‌هایی در مغز کودک نیز می‌شود که ممکن است به عقب‌ماندگی ذهنی ختم شود. در واقع، سندرم داون یکی از زیرشاخه‌های عقب‌ماندگی ذهنی است که با مشکلات فیزیکی و زبانی ظاهری همراه است. این کودکان به لحاظ رفتارهای آموزشی سه خصوصیت مشخص دارند: ۱- سرعت یادگیری آن‌ها کند است ۲- آموخته‌های خود را زود فراموش می‌کنند. ۳- در تعمیم آموخته‌های خود ناتوانند (افروز، ۱۳۷۰).

افراد مبتلا به سندرم داون، همچنین به دلیل بروز نقایص ساختاری و کارکردی در اندام‌های تولید گفتار، در زمینه تولید هنجار صداهای زبانی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند و نیز این

ویژگی‌های خاص و نقایص آشکار، قابلیت فهم گفتار آن‌ها را به شکل اساسی دچار محدودیت می‌کند (روحی، ۱۳۸۹).

بررسی جنبه‌های مختلف قوت و ضعف عملکرد کودکان داون مورد توجه بسیاری از تحقیقات در سال‌های اخیر بوده است. در پژوهش حاضر نیز سعی شده است تا با بررسی گفتار در کودکان و نوجوانان سندرم داون و مقایسه تأثیر آموزش بر بهبود گفتار آنان، توانایی زبانی آنان را در زمینه تولید ساختارهای نحوی مورد بررسی قرار دهیم. از آنجایی که تولید ساختارهای نحوی از فرایندهای پیچیده زبانی است، این پژوهش درصدد است تا تولید این ساختارها را در کودکان سندرم داون از جنبه‌های گوناگون از جمله استفاده درست افعال، تطابق فاعل و فعل در جمله، کاربرد صحیح زمان دستوری در فعل‌ها، و استفاده درست حروف اضافه بررسی کند.

### ادبیات و پیشینه پژوهش

به‌طور کلی کودکان عادی در حدود یک‌سالگی قادرند که کلماتی را به زبان آورند؛ اما کودکان سندرم داون که در خانه نزد والدین خود بزرگ می‌شوند، به‌طور متوسط در سنین دو تا سه‌سالگی قادر می‌شوند اولین کلمات را بیان کنند. اگرچه دیده می‌شود برخی از کودکان سندرم داون می‌توانند در یک‌سالگی کلمات را مفهوم بیان کنند، برخی دیگر از این کودکان در هفت یا هشت‌سالگی نمی‌توانند کلمات معنادار و واضحی را به زبان آورند. این نکته نیز بیانگر این است که کودکان سندرم داون ضمن این که در بعضی از ویژگی‌ها با هم شباهت دارند، دارای تفاوت‌های فردی قابل توجهی نیز می‌باشند که می‌تواند در بسیاری موارد مربوط به وجود ساختمان یافته‌های تریزومیک باشد. کودکان سندرم داون به دلایل متعددی در معرض خطر ابتلا به آسیب‌های گفتار و زبان هستند؛ به‌عنوان مثال عفونت‌های مکرر گوش میانی که به‌صورت نوسانی منجر به کم‌شنوایی انتقالی می‌شود در دراز مدت منجر به کم‌شنوایی حسی عصبی می‌شود. در واقع این کودکان نمی‌توانند از دستگاه شنوایی خود برای یادگیری زبان کلامی استفاده بهینه کنند.

از آنجایی که صحبت کردن یکی از کنش‌های ذهنی کودکان است، فقدان آن در کودکان و نوجوانان سندرم داون می‌تواند نشانه‌ای کاملاً بارز از عقب‌ماندگی ذهنی در این کودکان باشد. به‌علاوه همان‌طوری که در بالا ذکر شد، وجود برخی از اختلالات و نارسایی‌های جسمی و حسی، از جمله اختلال در حس شنوایی و وضعیت خاص دهان و لب‌ها در این کودکان نیز می‌تواند در تأخیر کلامی‌شان مؤثر باشد. در مجموع مشخصه‌های ارتباطی و گفتاری کودکان سندرم داون را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

- ۱- آسیب زبان بیانی بیش از زبان درکی است (در زبان بیانی سطح رشد واژگان از سطح رشد نحو بالاتر است).
  - ۲- قابلیت فهم گفتار آنان پایین است.
  - ۳- آسیب حافظه کوتاه مدت شنیداری به کلامی سبب می شود که رشد زبان کلامی با نقایص عمده ای روبه رو شود.
  - ۴- مدالیتته بیانی و مهارت های بیانی حرکتی آن ها قوی تر از مدالیتته شنیداری و مهارت های شنیداری- صوتی آنان است.
  - ۵- کودکان سندرم داون از بیان چهره ای، حرکات بدنی و صداسازی برای ابراز وجود و برقراری ارتباط استفاده می کنند (عرشی، ۱۳۷۵).
- در بین کودکان عقب مانده ذهنی که در ایران به نام کودکان استثنایی شناخته می شوند، کودکان دارای سندرم داون اولین گروهی هستند که در صورت برخورداری از برنامه ریزی و مراقبت صحیح از بدو تولد می توانند زندگی بسیار نزدیک به طبیعی داشته باشند. مشکل اصلی کودکان سندرم داون کم توانی ذهنی است که در قدرت یادگیری آن ها اثر می گذارد.
- مشکل جسمی کودکان سندرم داون قسمتی به دلیل هیپوتونی عضلانی است؛ بنابراین تمرین های حسی- حرکتی مفید خواهد بود؛ به طوری که باعث افزایش بهره هوشی می شود. با بررسی بهره هوشی این گروه از کودکان می توان آن ها را در مراحل آموزش، بهتر و دقیق تر یاری رساند.
- تحقیقات متعددی در مورد توانمندی های زبانی کودکان سندرم داون انجام گرفته است. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که این کودکان خصوصیات و ویژگی های نحوی خاصی در رفتار زبانی خود بروز می دهند که منطبق بر رفتار زبانی کودکان طبیعی نیست.
- «کارر»<sup>۵</sup> و «دیویس» (۱۹۹۵) در مطالعه ای که روی ۴۲ کودک سندرم داون انجام دادند، دریافتند که کودکان سندرم داون به علت کم توجهی در پردازش شنیداری با مشکل مواجه هستند. پوسکال<sup>۶</sup> نیز بر این نظر است که کودکان و حتی بزرگسالان سندرم داون در پردازش شنیداری بیشتر از پردازش دیداری مشکل دارند. همچنین لینکلن<sup>۷</sup> و همکاران (۱۹۸۵)، و کوهن<sup>۸</sup> و همکاران (۱۹۸۱) معتقدند که کودکان سندرم داون در مقایسه با کودکان طبیعی به زمان بیشتری برای تمرکز و تشخیص نیاز دارند که با افزایش سن، این زمان کاهش می یابد و به افراد طبیعی نزدیک تر می گردند (یادگاری، ۱۳۷۳).
- رینولدز<sup>۹</sup> و فرانکوسی<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) با استفاده از آزمون های درک، پیچیدگی های واژی- نحوی جملات معلوم، مجهول، شرطی و زمان جملات افراد سندرم داون را در سن حدود شش سالگی

بررسی کردند. به علت مشکلات ذهنی این افراد، درک دستوری آنان ضعیف‌تر از سایر سطوح زبانی بود و الگوهای تولید واژی- نحوی در این گروه متفاوت از گروه طبیعی بود. در این پژوهش، عامل مهم و مؤثر در اختلال، ضعف حافظه کوتاه‌مدت شنیداری عنوان شد. در تحقیقات قبلی که توسط فلاور و میلر<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۰ نقل از هویس،<sup>۱۲</sup> ۱۹۹۶: ۶۱۹-۶۰۸) انجام پذیرفته بود، اختلال توجه افراد سندرم داون را به تأخیر شناختی آنان نسبت داده بودند. البته باید توجه داشت که بین شناخت و مهارت‌های زبانی هم رابطه تنگاتنگی وجود دارد (یادگاری، ۱۳۷۳).

کارر و همکارانش (۱۹۹۸) با نقشه‌برداری مغز در افراد سندرم داون، ساختار عصبی نامتقارن مغز را در آن‌ها مشاهده کردند و آن را به محدودیت توجه در مقایسه با کودکان طبیعی نسبت دادند. توجه در افراد طبیعی مربوط به لوب پیشین و در سندرم داون بیشتر مربوط به لوب پسین است. ضمناً در افراد سندرم داون در زمان توجه قشر مغز فعال است؛ ولی در افراد طبیعی لوب پیشانی دارای فعالیت بیشتری است.

در تحقیق هسکت<sup>۱۳</sup> و چپمن (۱۹۹۸) با مطالعه تولید کلامی و نحو در ۲۹ کودک سندرم داون و ۲۹ کودک طبیعی، نظریه توماسلو و هایمن (۱۹۹۵) مبنی بر این که افعال، مرکز رشد نحو هستند، مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیق قبلی آن‌ها که در سال ۱۹۹۲ گزارش شده بود، افراد سندرم داون، در مقایسه با گروه کنترل، افعال کمتری در گفته‌های خود تولید می‌کردند. هسکت و چپمن مشکلات نحوی را ناشی از اشکال در دستیابی به ساختارهای زبانی در ذهن دانستند و علت آن را به ضعف حافظه شنیداری کوتاه مدت نسبت داده‌اند (سلیمی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌هایی در زمینه توانایی‌های گفتاری و نوشتاری کودکان کم‌توان ذهنی و سندرم داون در کشورمان نیز صورت پذیرفته است که در ادامه به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

جمالان (۱۳۷۲) ویژگی‌های تولیدی/تلفظی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر را بررسی کرد و نشان داد که ۳۰٪ از این کودکان فاقد هرگونه خطای تولیدی هستند؛ ولی ۷۰٪ از این کودکان بیش از ۶ خطای تولیدی دارند و بیشترین نوع خطای تولیدی خطای جانشینی است و همخوان-هایی که بیش از ۷۰٪ از این کودکان در تولید آن‌ها کاملاً موفقیت داشتند، همخوان‌های /m/t/n/b/f/x/ بودند (دستجردی کاظمی، ۱۳۸۸).

سرایلی علیخانی (۱۳۷۲) با بررسی واژگان گفتاری کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر نشان داد که این کودکان در تمیز شنیداری واژه‌ها دچار ضعفند. واژگان تولیدی آن‌ها اغلب از نوع اسامی ذات بوده و کمترین واژگان کاربردی‌شان، ضمایرنند و از ضمایر شخصی متصل بیشتر استفاده می‌کنند. میانگین طول جملات گفتاری آن‌ها، سه واژه بوده و افعالشان غالباً دارای زمان حال هستند.

افتخاری (۱۳۷۷) با بررسی و مقایسه و درک و بیان صفات ساده تفصیلی و عالی در پسران کم‌توان ذهنی مبتلا به سندرم داوَن و بدون سندرم داوَن به تأثیر وجود این سندرم بر مهارت‌های درکی و بیان مفاهیم فوق پرداخت و نشان داد که سندرم داوَن بر نتایج آزمون‌های نگه‌داری ذهنی و آزمون ریون و آزمون ادراک صفات ساده و عامی تأثیر ندارد. در آزمون درک و بیان صفات تفصیلی، دانش‌آموزان سندرم داوَن ضعیف‌تر بودند. در هر دو گروه بیان صفات ساده آسان‌تر از بیان صفات تفصیلی و بیان صفات تفصیلی آسان‌تر از بیان صفات عالی بود؛ اما در درک صفات فوق تفاوتی وجود نداشت. همچنین این پژوهش نشان داد که کودکان کم‌توان ذهنی دارای سندرم داوَن در مقایسه با کم‌توان ذهنی دیگر در درک و بیان صفات ضعیف‌تر هستند.

رضوانی (۱۳۸۲) با بررسی دو جنبه مهم تولید زبانی شامل نحو و واژگان در کودکان سندرم داوَن مشاهده کرد که در کودکان سندرم داوَن با سن عقلی پنج‌ساله، تولید کلمه به‌طور معناداری بهتر از تولید نحوی است. با این یافته، پژوهشگر احتمال داده‌است که تولید واژگان و نحو، دو حوزه زبانی مجزا و مستقل از هم هستند.

ملکشاهی (۱۳۸۸) به بررسی نحوه عملکرد ده کودک مبتلا به سندرم داوَن فارسی زبان در درک ساختارهای نحوی ساده و مرکب برای شناسایی و ارزیابی نقاط ضعف و قوت آن‌ها پرداخت. به این منظور، تشابهات و تفاوت‌های عملکرد زبانی آنان را با عملکرد ده کودک طبیعی به عنوان گروه کنترل مورد مقایسه قرار دارد تا الگویی درباره رشد و عملکرد زبانی گروه اول در زمینه درک نحوی به‌دست دهد. پس از تحلیل داده‌های آزمون درک زبانی مشخص شد که گروه داوَن در درک ساختارهای ساده، مرکب و مرکب ناهمپایه بسیار ضعیف‌تر از گروه طبیعی عمل کردند. و این مسئله در میانگین امتیازهای ساختارهای مرکب نمایان‌تر بود.

پولادی (۱۳۹۲) مهارت‌های زبانی در کودکان عقب‌مانده ذهنی مبتلا به سندرم داوَن را مورد مطالعه قرار داد. وی تعداد دوازده متغیر را بین گروه عقب‌مانده ذهنی و گروه افراد عادی مقایسه کرد. متغیرها عبارت بودند از: تعداد کل کلمه‌ها، انواع کلمه، نسبت نوع به تعداد کلمه‌ها، تعداد کل فعل‌ها، میانگین طول گفته، میانگین تعداد فعل در هر گفته، حذف واژه‌های دستوری، تعداد مواد غیردستوری، نشانه‌های دشواری در یافتن کلمه‌ها، تعداد لغزش‌های زبانی، تعداد کلمات ساختگی و تولید آواهای گفتاری. این تحقیق نشان داد که در فراگیری زبان میان کودکان عقب‌مانده ذهنی دچار سندرم داوَن و کودکان به‌هنجار، تفاوت معنادار وجود ندارد و فقط کودکان عقب‌مانده مورد مطالعه در این زمینه دچار تأخیر تحولی می‌باشند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون توانایی‌های زبانی افراد سندرم داون عموماً به مقایسه مهارت زبانی این گروه با گروه هنجار پرداخته‌اند و آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، یعنی تأثیر آموزش در بهبود مهارت گفتاری، در نوع خود جدید است.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و مقایسه‌ای است و در گردآوری داده‌ها از شیوه میدانی بهره گرفته‌است. این مطالعه به بررسی نقش آموزش در بهبود توانایی تولیدی زبان در بین کودکان مبتلا به سندرم داون می‌پردازد. جامعه آماری این تحقیق را کودکان پسر مبتلا به ناهنجاری داون در گروه سنی ۸ تا ۱۵ سال در شهر بابل تشکیل می‌دهند. جمعیت نمونه نیز شامل دو گروه ۱۰ نفره از پسران مبتلا به سندرم داون می‌شوند که یک گروه از آن‌ها با حضور در مدرسه کودکان استثنایی از آموزش رسمی برخوردار بوده‌اند و گروه دیگر هیچ‌گونه آموزش رسمی ندیده‌اند. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، شامل پنج آزمون مختلف از نوع تکمیل جمله و آزمون تولید گفتار خودانگیخته بود که از آزمون استاندارد نیلی پور (۱۳۷۲) در این زمینه استفاده شده‌است (پیوست شماره ۱ تا ۵). در این پژوهش عملکرد دو گروه از آزمودنی‌ها در بخش نحو (دستور زبان) و در مواردی چون تطابق فعل و فاعل، کاربرد صحیح ضمائر فاعلی، استفاده درست از زمان فعل و کاربرد صحیح حروف اضافه، مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، به تحلیل داده‌ها پرداخته شد.

## یافته‌های پژوهش

همان‌طور که قبلاً گفته شد، پرسش‌شوندگان این تحقیق، دو گروه ۱۰ نفره از پسران آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته دارای سندرم داون هستند. در جدول زیر، درصد و فراوانی پرسش‌شوندگان نشان داده شده‌است:

جدول ۱: فراوانی و درصد آزمودنی‌ها

گروه	فراوانی	درصد
آموزش‌یافته	۱۰	۵۰
آموزش‌نیافته	۱۰	۵۰
جمع	۲۰	۱۰۰

پنج آزمون مختلف که از نوع تکمیلی یا تولیدی بودند، برای گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. هدف آزمون تکمیل جمله، بررسی توانایی کودک سندرم داون در تولید فعل درست در گفتار از نظر مطابقت فعل با فاعل جمله یا مطابقت زمان فعل جمله با قید زمان در آن جمله است. این آزمون‌ها تکمیل کردنی هستند و توسط آزمونگر تکمیل شده‌اند.

آزمون اول از نوع تکمیلی بود که پرسش‌شوندگان می‌بایست جمله‌های ناقص را که فاقد فعل بودند، با قرار دادن فعل مناسب با معنای جمله کامل کنند (پیوست شماره ۱). نتیجه عملکرد این دو گروه در تکمیل فعل جمله در جدول زیر آمده است:

**جدول ۲: مقایسه میانگین نمره دو گروه آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته در تکمیل فعل مناسب با معنای جمله**

شخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
آموزش‌یافته	۱۰	۳۴/۴	۷/۶۹
آموزش‌نیافته	۱۰	۱۷/۷	۲/۲۱

مطابق جدول فراوانی و نمودار فوق، میانگین تکمیل فعل جمله گروه آموزش‌یافته (۳۴/۴) از گروه آموزش‌نیافته (۱۷/۷) بیشتر است. از آنجایی که متغیر استفاده فعل از نوع کمی و فاصله‌ای و متغیر گروه (آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته) از نوع اسمی است، برای تعیین معناداری تفاوت استفاده فعل بین دو گروه آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته از آزمون t مستقل استفاده می‌کنیم.

**جدول ۳: نتایج آزمون t استفاده فعل برای نمونه‌های آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته**

گروه	تعداد	انحراف معیار	میانگین	$t_p$	Df	$t_b$	sig
آموزش- یافته	۴۰	۷/۶۹	۳۴/۴	۶/۵۹۸	۱۸	۲/۱۰۱	۰/۰۰۰
آموزش- نیافته	۴۰	۲/۲۱	۱۷/۷				



چون  $t$  محاسبه شده ( $t_p = ۶/۵۹۸$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = ۰/۰۵$ ) و درجه آزادی ۱۸ از  $t$  جدول بحرانی ( $t_p = ۱/۹۸$ ) بزرگ تر است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت مشاهده شده معنادار است؛ یعنی بین استفاده فعل در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندروم داون تفاوت وجود دارد. مقادیر میانگین جدول فوق نشان می‌دهد که استفاده فعل در گروه آموزش یافته بیشتر از گروه آموزش نیافته است. بنابراین با توجه به تحلیل صورت گرفته، گروه آموزش یافته از توانایی بیشتری نسبت به گروه آموزش نیافته برخوردارند. آزمون دیگر به مطابقت فعل و فاعل در جمله پرداخت. این آزمون از نوع گزینه‌ای بود. آزمودنی‌ها می‌بایست فعلی را انتخاب کنند که از نظر شخص، شمار و زمان با فاعل جمله مطابقت داشته باشد. عملکرد پرسش‌شوندگان در این بخش در جدول شماره ۴ قابل ملاحظه است:

جدول ۴: مقایسه میانگین نمره دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته در تکمیل فعل مطابق با فاعل در جمله

شاخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
آموزش یافته	۱۰	۱۲/۰	۳/۶۸
آموزش نیافته	۱۰	۵/۳	۱/۲۵

مطابق جدول فراوانی فوق، میانگین نمره تکمیل فعل جمله مطابق با فاعل در گروه آموزش یافته (۱۲) از گروه آموزش نیافته (۵/۳) بیشتر است. چون متغیر استفاده فاعل با فعل از نوع کمی و فاصله‌ای و متغیر گروه (آموزش یافته و آموزش نیافته) از نوع اسمی است، برای تعیین تفاوت استفاده فاعل با فعل بین دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته از آزمون  $t$  مستقل استفاده می‌کنیم.

جدول ۵: نتایج آزمون  $t$  مطابقت فعل و فاعل برای نمونه‌های آموزش یافته و آموزش نیافته

گروه	تعداد	انحراف معیار	میانگین	$t_p$	df	$t_p$	Sig
آموزش - یافته	۱۰	۳/۶۸	۱۲/۰	۵/۴۴۸	۱۸	۲/۱۰۱	۰/۰۰۰
آموزش - نیافته	۱۰	۱/۲۵	۵/۳				

چون  $t$  محاسبه شده ( $t_p = 5/448$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = 0/05$ ) و درجه آزادی ۱۸ از جدول بحرانی ( $t_p = 2/101$ ) بزرگتر است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت مشاهده شده معنادار است؛ یعنی بین مهارت مطابقت فاعل با فعل در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندروم داون تفاوت وجود دارد و عملکرد گروه آموزش یافته بهتر از گروه آموزش نیافته است.

آزمون سوم به بررسی توانمندی آزمودنی‌ها در انتخاب زمان مناسب فعل جمله در مطابقت با قید زمان در جمله اختصاص دارد. این آزمون از نوع تکمیل کردنی بوده است و پرسش‌شوندگان می‌بایست فعل مناسب با قید زمان را در جای خالی قرار دهند. نتیجه تحلیل داده‌ها در این بخش در جدول زیر آمده است:

**جدول ۶: مقایسه میانگین نمره تطابق فعل با قید زمان در دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته**

شاخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
آموزش یافته	۱۰	۱۳/۷	۱/۲۵
آموزش نیافته	۱۰	۷/۴	۱/۸۴

مطابق جدول فراوانی فوق، میانگین کاربرد فعل مناسب با قید زمان جمله در گروه آموزش یافته (۱۳/۷) از گروه آموزش نیافته (۷/۴) بیشتر است. چون متغیر استفاده زمان و تولید فعل از نوع کمی و فاصله‌ای و متغیر گروه (آموزش یافته و آموزش نیافته) از نوع اسمی است، برای تعیین تفاوت استفاده زمان و تولید فعل بین دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته از آزمون  $t$  مستقل استفاده می‌کنیم.

جدول ۷: نتایج آزمون t استفاده‌ی زمان فعل مطابق با قید زمان برای نمونه‌های آموزش-یافته و آموزش نیافته

گروه	تعداد	انحراف معیار	میانگین	$t_m$	df	$t_b$	sig
آموزش یافته	۱۰	۸/۸۷	۱۳/۷	۴/۴۲۵	۱۸	۲/۱۰۱	۰/۰۰۰
آموزش نیافته	۱۰	۲/۲۳	۰/۹				

چون  $t$  محاسبه شده ( $t_m = 4/425$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = 0/05$ ) و درجه آزادی ۱۸ از  $t$  جدول بحرانی ( $t_b = 1/98$ ) بزرگ‌تر است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت مشاهده‌شده معنادار است؛ یعنی بین استفاده‌ی زمان مناسب فعل در تعلق با قید زمان در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندروم داون تفاوت معنادار وجود دارد. مقادیر میانگین جدول ۷ نشان می‌دهد که عملکرد گروه آموزش یافته در این زمینه بهتر از گروه آموزش نیافته است. آزمون چهارم نیز از نوع تکمیل کردنی بود. در این آزمون، جملاتی به آزمودنی‌ها ارائه شد که جای فاعل جمله خالی بود و آن‌ها می‌بایست با قرار دادن ضمیر فاعلی مناسب در جای خالی، جمله را کامل کنند. در این زمینه نتیجه عملکرد دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته را در جدول زیر ملاحظه می‌کنید:

جدول ۸: مقایسه میانگین نمره دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته در انتخاب ضمیر فاعلی مناسب با فعل جمله

شاخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
آموزش یافته	۱۰	۲۴/۷	۴/۱۹
آموزش نیافته	۱۰	۱۰/۷	۲/۷۱

مطابق جدول فراوانی فوق، میانگین نمره تطابق ضمیر فاعلی با فعل جمله در گروه آموزش یافته (۲۴/۷) از گروه آموزش نیافته (۱۰/۷) بیشتر است. چون متغیر استفاده‌ی ضمیر فاعلی از نوع کمی

و فاصله‌ای و متغیر گروه (آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته) از نوع اسمی است، برای تعیین تفاوت استفاده ضمیر فاعلی بین دو گروه آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته از آزمون  $t$  مستقل استفاده می‌کنیم.

**جدول ۹: نتایج آزمون  $t$  استفاده ضمیر فاعلی برای نمونه‌های آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته**

گروه	تعداد	انحراف معیار	میانگین	$t_m$	df	$t_p$	sig
آموزش یافته	۱۰	۴/۱۹	۲۴/۷	۸/۸۷	۱۸	۲/۱۰۱	۰/۰۰۰
آموزش نیافته	۱۰	۲/۷۱	۱۰/۷				

چون  $t$  محاسبه شده ( $t_m=۸/۸۷$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha=۰/۰۵$ ) و درجه آزادی ۱۸ از  $t$  جدول بحرانی ( $t_p=۲/۱۰۱$ ) بزرگ‌تر است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت مشاهده شده معنادار است؛ یعنی بین استفاده ضمیر فاعلی در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته سندروم داون تفاوت وجود دارد و استفاده درست ضمیر فاعلی در گروه آموزش‌یافته بیشتر از گروه آموزش‌نیافته است.

آزمون پنجم و آخر در این پژوهش، آزمون بررسی مهارت دو گروه در استفاده درست از حروف اضافه است. این آزمون از چند تصویر تشکیل شده و از پرسش‌شوندگان خواسته شده که در مورد آن تصاویر صحبت کنند (پیوست شماره ۵). سپس گفتار خودانگیخته آزمودنی‌ها در مورد تصاویر، ضبط و پیاده‌سازی شد و کاربرد حروف اضافه مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفت. نتیجه در جدول زیر قابل مشاهده است:

**جدول ۱۰: مقایسه میانگین نمره دو گروه آموزش‌یافته و آموزش‌نیافته در استفاده درست حروف اضافه**

شاخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
آموزش یافته	۱۰	۸/۰	۱/۲۵
آموزش نیافته	۱۰	۲/۱	۱/۲

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ ملاحظه می‌کنید کاربرد درست حروف اضافه در گروه آموزش- یافته (۸/۰) از گروه آموزش نیافته (۲/۱) بیشتر است و از آن جایی که متغیر استفاده حروف اضافه از نوع کمی و فاصله‌ای و متغیر گروه (آموزش یافته و آموزش نیافته) از نوع اسمی است، برای تعیین تفاوت استفاده حروف اضافه بین دو گروه آموزش یافته و آموزش نیافته از آزمون t مستقل استفاده می‌کنیم.

جدول ۱۱: نتایج آزمون t استفاده درست حروف اضافه برای نمونه‌های آموزش یافته و آموزش نیافته چون t محاسبه شده ( $t_m = 10/792$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = 0/05$ ) و درجه آزادی ۱۸ از

گروه	تعداد	انحراف معیار	میانگین	$t_m$	df	$t_p$	sig
آموزش یافته	۱۰	۱/۲۵	۸/۰	۱۰/۷۹۲	۱۸	۲/۱۰۱	۰/۰۰۰
آموزش نیافته	۱۰	۱/۲	۲/۱				

t جدول بحرانی ( $t_p = 1/98$ ) بزرگ‌تر است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت مشاهده شده معنادار است؛ یعنی بین استفاده حروف اضافه در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندروم داون تفاوت وجود دارد و استفاده حروف اضافه در گروه آموزش یافته بیشتر از گروه آموزش نیافته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها در بخش قبل مشخص کرد که در همه ساخت‌های نحوی، تولید گفتار بچه‌های آموزش یافته بسیار بهتر از گروه آموزش نیافته است. کودکان آموزش یافته در انتخاب فعل مناسب با فاعل جمله، و قید زمان جمله و همچنین در انتخاب ضمائر فاعلی مطابق با فعل جمله عملکرد بهتری دارند و در کاربرد درست حروف اضافه نیز موفق‌تر عمل کردند. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات سزایی علیخانی (۱۳۷۲)، همسو است. همچنین نتایج پژوهشی که ملکشاهی (۱۳۸۸) در زمینه درک ساختارهای نحوی ساده و مرکب انجام داده است، با عملکرد پژوهش حاضر در یک راستا قرار دارد؛ این در حالی است که نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات مبین واگنر (۱۹۶۰)، که رشد سن عقلی را در پیشرفت مهارت‌های گفتاری مؤثر می‌داند، ناهمسو است. بین استفاده درست فاعل و فعل در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندرم

داون تفاوت معناداری وجود دارد. علت تفاوت معنادار این است که افراد آموزش یافته به لحاظ حضور در محیط‌های آموزشی در کنار همسالان خود و برخورداری از شرایط آموزشی و تکرار تمرین‌های مستمر و درک نقش فاعل و تطابق با فعل، در تولید جملات دستوری بسیار موفق‌تر از گروهی هستند که به دور از آموزش بوده‌اند و تنها در اجتماع کوچک خانواده از آموزش گفتاری بهره می‌برند. نتایج در این زمینه، با تحقیقات رضوانی (۱۳۸۲) همسو است. بین استفاده درست زمان فعل در تطابق با قید زمان در جمله، در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندرم داون تفاوت وجود دارد. در این پژوهش افراد آموزش یافته در تعامل بیشتری با گروه‌های همسالان و گروه‌های مختلف دیگر در محیط آموزشی قرار دارند و این خود در درک بسیاری از مسایل و موارد آموزشی مؤثر است؛ زیرا حضور کودک در مدرسه و اطلاع از برنامه‌های زمانی در هر روز، او را به چالش می‌کشد تا در تولید جملات از زمان‌های گذشته، حال، آینده استفاده کند؛ درحالی که حضور نداشتن این گروه کم‌توانان ذهنی در محیط‌های آموزشی و اجتماع بزرگ‌تری از خانواده. آن‌ها را از این چالش محروم می‌سازد. همچنین بین استفاده ضمیر فاعلی مناسب با فعل در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندرم داون تفاوت وجود دارد و گروه کودکان و نوجوانان آموزش یافته در استفاده از ضمیر فاعلی در گفتارشان موفق‌تر هستند؛ زیرا در کتاب‌های آموزشی مدارس استثنایی با ضمیر فاعلی سوم شخص. دوم شخص مفرد و جمع آشنایی پیدا می‌کنند؛ درحالی که گروه آموزش نیافته با توجه به آزمون‌های گرفته شده و ضبط فیلم، درک صحیحی از ضمیر فاعلی ندارند. در نتیجه در کاربرد این ضمیر، ضعف بزرگی دارند. پولادی (۱۳۶۹) با پژوهشی که بر روی گروه عقب‌مانده ذهنی سندرم داون در مقایسه با کودکان عادی انجام داده است، به نتیجه‌ای مشابه دست یافته است. بررسی ساخت جملات دستوری و استفاده از حروف اضافه در گفتار خودانگیخته در دو گروه نشان داد که بین استفاده حروف اضافه در گفتار کودکان و نوجوانان پسر آموزش یافته و آموزش نیافته سندرم داون تفاوت معنادار وجود دارد. از آنجایی که حروف اضافه در هر زبان تا حد زیادی غیر قراردادی و غیر قابل پیش‌بینی است و یادگیری آن نیاز به تمرین و حفظ کردن دارد، گروه آموزش دیده که از این فرصت‌ها برخوردار بوده‌اند، عملکرد بهتری دارند.

- <sup>1</sup> syntax
- <sup>2</sup> Syndrome Down
- <sup>3</sup> Three Some
- <sup>4</sup> John Landon Down
- <sup>5</sup> Karrer
- <sup>6</sup> Pueschall
- <sup>7</sup> Lincoln
- <sup>8</sup> Cohen
- <sup>9</sup> Reynolds
- <sup>10</sup> francousi
- <sup>11</sup> Miller
- <sup>12</sup> Havis
- <sup>13</sup> Flower

## منابع

- آتش افروز، فرزانه و همکاران (۱۳۶۸). سنجش رشد طبیعی گفتار و زبان در کودکان فارسی‌زبان با استفاده از آزمون نیلی‌پور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گفتار درمانی، دانشکده توانبخشی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- اچسون، جین (۱۳۶۴). روان‌شناسی زبان. ترجمه: عبدالخلیل حاجتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اخلاقی کوهپایی، حسین (۱۳۹۰). توان‌بخشی کودکان مبتلا به سندرم داون. تهران: انتشارات ارجمند.
- افتخاری، زهرا (۱۳۷۷). مقایسه درک و بیان صفات ساده، تفضیلی و عالی در پسران سندرم داون و پسران دارای نارسایی ذهنی غیرسندرم داون مدارس استثنایی تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده توان‌بخشی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- اکبری، پردخت (۱۳۸۶). بررسی واژگان بیانی کودکان سندرم داون فارسی‌زبان ۴-۲ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گفتار درمانی، دانشکده توان‌بخشی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- برات زاده، سعید (۱۳۸۵). مقایسه حافظه کوتاه‌مدت کلامی در کودکان عقب‌مانده ذهنی سندرم داون و غیرسندرم داون با کودکان عادی بر اساس مدل حافظه بدلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گفتار درمانی، دانشکده توان‌بخشی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- پولادی، شیدا (۱۳۶۹). بررسی مهارت‌های زبانی در کودکان عقب‌مانده ذهنی دچار سندرم داون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته گفتار درمانی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- حسین زاده اشرفی، سعیده (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بازگویی داستان بر بهبود شاخص‌های زبانی میانگین طول گفته، سرعت گفتار و غنای واژگانی در کودکان دارای سندرم داون ۷-۶ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته گفتار درمانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران.
- دستجردی کاظمی، محمد (۱۳۷۶). بررسی مقایسه‌ای کاربرد حروف اضافه در گفتار کودکان ۶ ساله بهنجار عقب‌مانده ذهنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ریاحی، غلامحسین (۱۳۷۰). آشنایی با اصول و روش تحقیق. تهران: انتشارات اشراقیه.
- سرایی علیخانی، سوفیا (۱۳۷۲). تهیه متون خواندنی بر اساس واژگان گفتاری کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر برای پایه اول دبستان‌های استثنایی تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- سلیمی، علی (۱۳۹۲). پردازش فعل در بیماران دستورپریش فارسی‌زبان. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عرشی افسانه (۱۳۷۵). بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های نحوی و واژگانی در کودکان ۳، ۴ و ۵ ساله زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته گفتار درمانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- نیلی‌پور، رضا (۱۳۷۲). آزمون زبان‌پریشی فارسی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). «شاخص‌های عینی ارزیابی کیفیت گفتار». مجله زبانشناسی، سال نهم، شماره اول. صص ۴۰-۵۲.



---

- یادگاری فریبا (۱۳۷۲). بررسی و مقایسه چگونگی تولید نحو در کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر با سن عقلی ۶ سال مدارس استثنایی و کودکان عادی با سن تقویمی ۶ سال مهد کودک های دولتی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته گفتار درمانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی تهران.

- Cooper, William E. (1980). *Syntax and Speech*. London: Harvard university press.

- Alen, J. P. & van, Paul (1971). *Chomsky: Selected Readings*. London: oxford university Press.

- Goldstein, kurt (1948). *Language and Language Disturbances*. New York: Grune & Stratton.

- Luria, Alek & Sander, Romanovich (1966). *Higher certical functions in man*. New York: Basic books.

- Luria, A. R. (1963). *The Mentally Retarded Child*. London: Pergamen Press.

- Piaget, Jean (1987). *The Language and Thought of The Child*. London: lowrance erlbaun associates.

- Kleppe, Sallie A. et al. (1990). "The Speech and Language, Characteristics of children with prader- willi syndrome". *JSHD* vol. 55, N. Z May.pp. 300-309

## پیوست شماره ۱

آزمون تکمیل جمله: کاربرد فعل مناسب با معنای جمله

- ۱- دختر غذا .....
- ۲- پسر جوراب .....
- ۳- کودک .....
- ۴- پسر لباس .....
- ۵- مادر ظرف .....
- ۶- مرد شانه .....
- ۷- پسر حمام .....
- ۸- مادر جارو .....
- ۹- پسر مسواک .....
- ۱۰- دختر گل آب .....
- ۱۱- دختر عروسک .....
- ۱۲- پسر تلفن .....
- ۱۳- پسر .....
- ۱۴- پسر تلویزیون .....
- ۱۵- دختر دوچرخه .....

## پیوست شماره ۲

آزمون تطابق فاعل و فعل جمله

۱- الف) من پارک رفت.

ب) من به پارک رفتم.

۲- الف) تو مشق‌هایت را نوشتی.

ب) تو مشق‌هایت را نوشتم.

۳- الف) او به گل‌ها آب می‌دهم.

ب) او به گل‌ها آب می‌دهد.

۴- الف) شما خانه را تمیز کرد.

ب) شما خانه را تمیز کردید.

۵- الف) من نقاشی دوست دارد.

ب) من نقاشی دوست دارم.

۶- الف) شما کتاب دارید.

ب) شما کتاب دارم.

۷- الف) ما مداد داریم.

ب) ما مداد دارد.

۸- الف) او ماشین خریدیم.

ب) او ماشین خرید.

۹- الف) تو کفش دارد.

ب) تو کفش داری.

۱۰- الف) شما به مسافرت می‌رود.

ب) شما به مسافرت می‌روید.

۱۱- الف) ما غذا می خورد.

ب) ما غذا می خوریم.

۱۲- الف) من نقاشی دوست دارم.

ب) من نقاشی دوست دارد.

۱۳- الف) تو مداد خرید.

ب) تو مداد خریدی.

۱۴- الف) او غذا خوردم.

ب) او غذا خورد.

۱۵- الف) امیر کتاب می خواند.

ب) امیر کتاب می خوانم.

### پیوست شماره ۳

آزمون تکمیل جمله: مطابقت زمان فعل با قید زمان

۱- الف) دیروز پسر غذا .....

ب) فردا پسر غذا .....

ج) امروز پسر غذا .....

۲- الف) دیروز دختر درس .....

ب) فردا دختر درس .....

ج) امروز دختر درس .....

۳- الف) دیروز مادر لباس .....

- ..... (ب) فردا مادر لباس
- ..... (ج) امروز مادر لباس
- ..... ۴- الف) دیروز پدر نان
- ..... (ب) فردا پدر نان
- ..... (ج) امروز پدر نان
- ..... ۵- الف) دیروز من آب
- ..... (ب) فردا من آب
- ..... (ج) امروز من آب
- ..... ۶- الف) دیروز تو بازی
- ..... (ب) فردا تو بازی
- ..... (ج) امروز تو بازی
- ..... ۷- الف) دیروز من مسواک
- ..... (ب) فردا من مسواک
- ..... (ج) امروز من مسواک
- ..... ۸- الف) دیروز تو حمام
- ..... (ب) فردا تو حمام
- ..... (ج) امروز تو حمام
- ..... ۹- الف) دیروز ما خرید
- ..... (ب) فردا ما خرید
- ..... (ج) امروز ما خرید
- ..... ۱۰- الف) دیروز ما غذا

(ب) فردا ما غذا .....

(ج) امروز ما غذا .....

۱۱- الف) دیروز شما سینما .....

(ب) فردا شما سینما .....

(ج) امروز شما سینما .....

۱۲- الف) دیروز شما کتاب .....

(ب) فردا شما کتاب .....

(ج) امروز شما کتاب .....

۱۳- الف) دیروز آن‌ها مشق .....

(ب) فردا آن‌ها مشق .....

(ج) امروز آن‌ها مشق .....

۱۴- الف) دیروز آن‌ها مسواک .....

(ب) فردا آن‌ها مسواک .....

(ج) امروز آن‌ها مسواک .....

۱۵- الف) دیروز تو خرید .....

(ب) فردا تو خرید .....

(ج) امروز تو خرید .....

#### پیوست شماره ۴

آزمون تکمیل جمله: تطابق ضمیر فاعلی و فعل

- ۱- الف) ..... غذا خوردم.  
ب) ..... غذا خورد.
- ۲- الف) ..... راه می‌روم.  
ب) ..... راه می‌رود.
- ۳- الف) ..... خوابیدم.  
ب) ..... خوابیدم.
- ۴- الف) ..... رفت.  
ب) ..... می‌رود.
- ۵- الف) ..... خندیدن.  
ب) ..... خندیدی.
- ۶- الف) ..... ناهار خورد.  
ب) ..... ناهار خوردیم.
- ۷- الف) ..... کتاب می‌خواند.  
ب) ..... کتاب می‌خوانی.
- ۸- الف) ..... لباس می‌پوشم.  
ب) ..... لباس می‌پوشد.
- ۹- الف) ..... تلویزیون می‌بینیم.  
ب) ..... تلویزیون می‌بینید.
- ۱۰- الف) ..... گل می‌کارید.  
ب) ..... گل می‌کارم.
- ۱۱- الف) ..... شکلات دوست دارم.

(ب) ..... شکلات دوست دارد.

۱۲- الف) ..... کتاب داستان می خریم.

(ب) ..... کتاب داستان می خری.

۱۳- الف) ..... لیوان آب را آورد.

(ب) ..... لیوان آب را آوردم.

۱۴- الف) ..... در مدرسه درس می خواند.

(ب) ..... در مدرسه درس می خوانی.

۱۵- الف) ..... به نانواپی می رویم.

(ب) ..... به نانواپی می رود.

### پیوست شماره ۵

آزمون تولید حرف اضافه بر اساس گفتار خودانگیخته

در مورد تصاویر صحبت کن





